



پژوهشی کوتاه از ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران

پیش گفتار:

آن چه که در این بخش از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد، پژوهشی است بسیار کوتاه از تاریخ تمدن، فرهنگ و ادبیات ایران در یک دوره ۵۰۰۰ ساله. این تاریخ از حضور آریایی‌ها در دره سند و گنگ و رودخانه‌های اطراف آن در هندوستان آغاز می‌شود و تا جدایی قوم آریا از هم‌نژادان هندی خود و مهاجرت بزرگ آنان به خارج از محل سکونتشان ادامه می‌یابد. در ادامه‌ی گفتمان، تاریخ ایران آغاز می‌گردد و فراز و نشیب‌های آن تا سال‌های آغازین قرن بیستم و هم‌زمان با شروع نهضت مشروطیت ایران به گونه‌ای بسیار کوتاه نقد و بررسی می‌شود. با این توضیح که خاستگاه نخستین و تاریخ و مسیرهای اولیه‌ی مهاجرت آریایی‌ها با اختلاف‌نظرهای مورخان جهان همراه است. (کتابنامه در شماره آینده)

اتفاق افتاده است. فراموش نکنیم که برابر آخرین اطلاعات ماهواره‌ای ایستگاه فضایی آمریکا اعلام شده در تاریخ ۱۲ فوریه سال ۲۰۰۲ میلادی عمر کره زمین ۱۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سال برآورد شده است. بنابراین به کار بردن عدد چندین میلیون سال در مقابل عمر کره زمین چندان زیاد نیست.

در جهان امروزی ما، زبان‌های زنده‌ای وجود دارند که کل انسان‌های حاضر در روزگار فعلی برای رفع نیاز خود با آن صحبت می‌کنند و عمده‌ترین زبان‌های موجود به ترتیب تعداد انسان‌های استفاده‌کننده از آن عبارتند از:

- ۱- زبان چینی ۲- زبان انگلیسی ۳- گروه زبان‌های هندی و اردو ۴- زبان روسی ۵- زبان ژاپنی ۶- زبان آلمانی ۷- زبان اسپانیایی ۸- زبان اندونزیایی ۹- زبان بنگالی ۱۰- زبان عربی ۱۱- زبان پرتغالی ۱۲- زبان ایتالیایی ۱۳- زبان فرانسوی ۱۴- گروه زبان‌های فارسی ۱۵- زبان اوکراینی ۱۶- زبان ترکی ۱۷- زبان عبری ۱۸- زبان پرتغالی ۱۹- زبان مغولی ۲۰- زبان مالایایی و صدها زبان نیمه رسمی دیگر مثل زبان‌های رایج در آسیا، اروپا، آفریقا، آمریکا، استرالیا و غیره.

این زبان‌ها چون ویژگی بین‌المللی ندارند، به همین دلیل در دسته‌بندی بالا جای نگرفته‌اند.

هدف ما در این بررسی و پژوهش کوتاه وارد شدن در گستره پهناور علم زبان‌شناسی نیست و بر آنیم که در زمینه‌ی زبان و ادب پارسی از روزگاران نخستین تا امروز به پژوهشی کوتاه بپردازیم. بنابراین، پلی بر روی رودخانه‌ی تاریخ دیرپای بشری می‌زنیم و به ناگاه از هزاران سال تاریخ شگفت‌انگیز عبور می‌کنیم و در سرزمین پارسی‌گویان که به حق نخستین گویندگان بشری نام گرفته‌اند، فرود می‌آییم و سخن را از همین‌جا آغاز می‌کنیم.

پژوهش‌گران زبان‌شناس می‌گویند برای ورود به سرزمین زبان و ادب یک سرزمین، نخست باید پیشینه‌ی تاریخی آن سرزمین را

گویش مرسوم و قابل استفاده یک روستا با روستای دیگر که در چند کیلومتری آن قرار دارد متفاوت است. بسیار دیده شده است کسانی که در همسایگی این گروه و در همان منطقه‌ی جغرافیایی زندگی می‌کنند، با این گویش محلی، ناآشنا و بیگانه‌اند. در مورد تفاوت بین زبان‌های رسمی و گویش‌های محلی، اشاره به این نکته ضروری است که زبان‌های رسمی دارای قواعد، مقررات دستوری نوشته شده، شیوه واژه نگاری اصولی و مدوئی هستند که از قوانین صحیح و سیستماتیک زبان‌های رسمی بین‌المللی پیروی می‌کنند. این زبان‌ها از نظر علمی در گروه‌بندی زبان‌های رسمی قرار می‌گیرند. در حالی که گویش‌های محلی دارای قوانین رسمی و مدوئی نیستند.

شاید برای بسیاری از افراد عادی و معمولی بیان این حقیقت که زبان هم مانند فرهنگ و تمدن بشری عمری محدود دارد و در یک دوره تاریخی کوتاه و یا بلند مدت زندگی می‌کند و زنده است، سخت باور باشد، اما حقیقت دارد. بسیاری از زبان‌هایی که در دوره‌های مختلف تاریخی، بشر با آن صحبت می‌کرده و مشکلات ارتباطی خود را با آن حل می‌نموده است، امروز هیچ‌گونه اثری از آن، حتی در سنگ نبشته‌ها نیز نمی‌توان یافت. دلیل این امر قدیمی‌تر بودن عمر زبان از عمر نگارش است. شاید میلیون‌ها و یا میلیارد‌ها سال طول کشیده است تا همراه با پیشرفت و تکامل بشری، خط و پس از آن آیین نگارش اختراع شود. در حالی که از تاریخ پیدایش انسان، پدیده‌ای به نام صوت، آوا و زبان مشکل ارتباطی او را حل کرده است.

بنابراین، بحث در مورد تاریخ به وجود آمدن زبان را بساید به دوره شکل‌گیری موجودات کره زمین محدود نمود. به ویژه دوره‌هایی که بشر راه تکامل خود را پیموده و برای فهمیدن و فهماندن آن چه که در سر داشته از به کار بردن اصوات مختلف خودداری نموده و واژگان را جای‌گزین اصوات کرده است. بی‌تردید می‌توان گفت که همین جابه‌جایی صوت با واژه که در یک جمله‌ی ما گنجانده شده، در یک دوره تاریخی چندین میلیون ساله

امید است که علاقه‌مندان با دقت بیشتر به قسمت‌های مختلف این تاریخ توجه نمایند.

حداقل تا امروز! هیچ خردمندی با قاطعیت نگفته است و نمی‌تواند ادعا کند که ارتباط صوتی بین موجودات هستی و در پی آن زبان و از پس این دو، علم سخن گفتن از کدامین مقطع تاریخی آغاز شده است؟ چه قوم و نژادی در آغاز هستی و پیدایش موجودات تکامل یافته، زبان به گفتن گشوده‌اند؟ کدام زبان نخستین زبان و یا گویش بشری بوده است؟! اما، می‌توان ادعا کرد که زبان از تاریخی متولد شد که موجودی با شکل و قیافه‌ی انسانی شبیه انسان امروزی، راه تکامل خود را پیمود و اصواتی هر چند گنگ و نامفهوم از حلقوم خود خارج کرد و بدین ترتیب اظهار وجود نمود. چه کسی می‌تواند ادعا کند که دیگر موجودات هستی به غیر از انسان قادر نیستند با صوت، آواز، کلام و یا زبان با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند؟ امروز ثابت شده است که تمام موجودات حاضر در کران تا کران پهنه‌ی هستی به نوعی یا هم در ارتباط هستند و در بین این گروه بزرگ دسته‌ای که پیش‌رفته‌ترند، توانسته‌اند به وسیله‌ی اصوات با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. به گمان ما پیش‌رفته‌ترین موجودات ما آدمیانیم و به گمان خردورزان هستی‌شناس، پیش‌رفته‌تر از انسان‌ها، موجوداتی هستند که به وسیله‌ی نور با یکدیگر در تماس می‌باشند.

سخن را کوتاه می‌کنیم و به تحقیقات زبان‌شناسان ارج می‌نهیم و ما نیز مانند آنان می‌گوییم که تا همین امروز بیش‌تر از ۲۵۰۰ زبان رسمی در جهان شناخته شده‌اند که میلیارد‌ها انسان با آن سخن می‌گویند. اگر گویش‌های متفاوت و فزون از شمار سرزمین‌ها، کشورها، استان‌ها، روستاها و بخش‌های مختلف سرتاسر گیتی را به آن ۲۵۰۰ زبان رسمی اضافه کنیم، شاید به رقم باور نکردنی ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ گویش مختلف برسیم. اگر چه گویش‌ها زبان علمی و رسمی سرزمین‌ها نیستند، اما میلیارد‌ها انسان علاوه بر استفاده از زبان رسمی کشورشان از این گویش‌ها برای ایجاد ارتباط راحت‌تر و سریع‌تر با هم‌زبانان خود سود می‌برند. به همین سبب است که



بررسی کرد. ما نیز همین کار را می‌کنیم:

تاریخ آریاه، پارس‌ها یا ایرانی‌ها و همچنین زبان و ادبیات این قوم از زمانی آغاز می‌گردد که با برادران هم‌نژاد و هندوی خود در دره‌های سرسبز و حاصلخیز گنگ و سند و کناره‌های رودهایی با همین نام می‌زیستند و نژاد هند و آریایی و بعدها هند و اروپایی را تشکیل دادند. عواملی ناشناخته باعث شد که حدود ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال قبل، یعنی ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد این قوم به سه گروه تقسیم شوند:

گروه نخست به سوی فلات ایران رهسپار شدند و با گذشتن از پستی و بلندی‌های سخت جغرافیایی و پشت سرگذشتن مصیبت‌های مهاجرت گروهی، قسمت‌های آباد سرزمین جدید را برای استقرار دائمی انتخاب کردند و ساکن شدند. این گروه به هنگام استقرار و یا صدها سال بعد نام خودشان را بر سرزمین جدید گذاشتند.

گروه دوم همراه با هم سفران ایرانی خود راهی آسیای صغیر شدند و از مسیر جنوبی و شمالی دریای کاسپین (مازندران) به اروپا رفتند و در قسمت‌های خوش آب و هوا و سازگار آن ماندگار شدند.

گروه سوم به دو قسمت تقسیم شدند. بخشی در همان قسمت‌های حاصلخیز سند و گنگ ماندگار شدند و دسته‌ای دیگر راه مناطق مرکزی شبه قاره را در پیش گرفتند و در مکان‌های موردنظر مستقر گردیدند.

در مورد **گروه دوم** نظریه‌ی دیگری نیز هست. برابر این نظریه آریایی‌ها مهاجر به اروپا پس از صدها سال اقامت در ایران، از هم‌نژادان ایرانی خود جدا شده و راه اروپا را در پیش گرفتند و در مکان‌های مناسب مستقر گردیدند. آن جابه‌جایی‌های اولیه که از نظر ما در چند جمله خلاصه شده است نزدیک به ۳۰۰۰ سال به درازا می‌کشد، تا این قوم بتوانند در مکان‌های ثابت و در سه نقطه‌ی مختلف جهان آن روز سکونت همیشگی اختیار کنند و به ساختن تمدن‌ها بپردازند.

نژاد اصلی «ایندو - آری» «ایندوآریا» و یا «ایندو-یورپین» (هند و اروپایی‌ها) با گذشت چندین هزار سال تا کناره‌های اقیانوس اطلس پراکنده شده و در سده‌های بعدی و پدیدآمدن دنیای جدید، سراسر اروپا را درنوردیدند و در جای‌جای مختلف آن استقرار یافتند. در این مهاجرت بزرگ و شگفت‌انگیز انسانی که در طول تاریخ بشری بی‌مانند است، آن‌هایی که به سمت فلات ایران آمده بودند در سرزمین‌هایی حاصلخیز بین سیر دریا و آمویه دریا مستقر

شدند و تاریخ خود را آغاز کردند. در حال حاضر هیچ‌گونه نشانه‌ای تاریخی و مستند از چگونگی شکل‌گیری تمدن این قوم، آداب، رسم‌های اجتماعی و زبان آن‌ها در دست نیست. هیچ کس به درستی نگفته است که این قوم با چه زبانی گفت‌وگو می‌کرده‌اند؟

پس از گذشتن ۲۰۰۰ سال از تاریخ مهاجرت نخستین و تقسیم شدن این قوم به سه بخش عمده و سکونت در سه نقطه‌ی کره زمین، نشانه‌هایی از خط و زبان این قوم به دست آمده است. به دلیل اشتراک مفاهیم و واژگان به نگارش درآمده در سرودهای «ودا» که کهن‌ترین اثر نوشته شده هندوها می‌باشد و سرودهای «اوستا» که قدیمی‌ترین اثر نوشته شده آریایی‌ها به حساب می‌آید، چنین به نظر می‌رسد که زبان رایج در بین این نژاد، زبان دیگری غیر از «ودا» بوده که اطلاع کاملی از آن زبان تاکنون به دست نیامده است. زبان‌شناسان، آن زبان را «هند و ایرانی» و یا «هند و اروپایی» نامیده‌اند. دیده شده است که بسیاری از واژگان این دو زبان ریشه‌ی مشترکی دارند و به یک‌دیگر نزدیک هستند.

ویژگی دیگر و مشترک این دو قوم، آری ARAY نامیده شدن آن‌ها است که معنی «پاک» و «شریف» می‌دهد. یعنی قوم پاک، قوم شریف. هر دو قوم یاد شده در نخستین محل زندگی‌شان نام «اری» را برای خود انتخاب کرده بودند، اما با گذشت قرن‌ها، آن گروهی که در دره سند ماندگار شدند، نام «هیندو»، «سیندهو»، «ایندو» و «ایندوس» را برای خود برگزیدند و به همین سبب سرزمین محل اقامت آنان «هند» و «هندوستان» نام گرفت. گروهی که به جانب فلات ایران رهسپار شده و در آن جا اقامت گزیدند، به همان نام نخستین خود «اری» نام‌گذاری شدند. سرزمین محل استقرارشان «اران»، «آری ران» و بعدها «ایران» نام گرفت.

همین دیدگاه مشترک نژادی است که داستان‌های اساطیری این دو سرزمین را پایه‌ریزی می‌کند و اساس و ریشه‌ی بسیاری از قصه‌های حماسی متون «ودا» در هند (بیشتر از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد) و «اوستا» در ایران را (بیشتر از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد) تشکیل می‌دهد. تا همین جا مشاهده می‌شود که سروده‌های «ودا» حدود ۲۰۰۰ سال نسبت به سروده‌های «اوستا» قدیمی‌ترند. پهلوانان این دو قوم با اندک تفاوتی نه چندان محسوس در داستان‌های حماسی دو سرزمین به کارهای پهلوانی می‌پردازند. تاریخ ادبیات حماسی این

دو سرزمین شکل می‌گیرد و با گذشت زمان بال و پر می‌گستراند و پهنی وسیع آسیا را درمی‌نوردد و بخش‌های بزرگی از اروپا را نیز زیر نفوذ مستقیم خود قرار می‌دهد.

با شکاف به وجود آمده بین ساکنان اصلی دره سند و گنگ، هجوم مهاجرتی شاخه‌های جدا شده آریایی‌ها به سوی فلات ایران و اروپا ادامه می‌یابد و این مهاجرت بزرگ تاریخی، قرن‌های فراوانی را دربرمی‌گیرد. با پایان گرفتن نخستین حرکت بزرگ مهاجرتی تاریخ به سوی فلات ایران و جابه‌جایی‌های اولیه‌ی انسانی و گذر از یک دوره تاریخی طولانی ۲۰۰۰ ساله و پایان یافتن سختی‌های اولیه‌ی سکونت و پایان گرفتن تأثیرپذیری‌های جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی، زیست محیطی و فرهنگی، دوران استقرار رسمی و دائمی قوم آریایی‌ها در فلات ایران آغاز می‌شود. با پیدایش نخستین پادشاهان بزرگ و حکومت‌های قدرتمند، نظم و قانون، حاکمیت خویش را جای‌گزین ناامنی و آشوب می‌کند و مردمان در بستری آرام و جدا از وظایف شخصی و عمومی خود، به هنر و ادبیات روی می‌آورند، زبان گفتاری و نوشتاری غنی می‌شود و آثار شکوهمند و شایسته‌ای سر از بستر جامعه برمی‌آورند. در مهاجرت بزرگ ساکنان دره سند و گنگ، ما به آریایی‌هایی می‌پردازیم که راه فلات ایران را در پیش گرفتند و ساکن این سرزمین شدند و نام «ایران» را به محل استقرار خود دادند. با زبانی که امروز آن را «فارسی» می‌نامیم و به طور قطع در آغاز این زبان نبوده است و از ابتدای پیدایش تا امروز دست‌خوش تغییرات بسیار زیادی شده است، صحبت می‌کردند.

زبان فارسی مورد نظر ما در روزهای نخستین شاخه‌ای از گروه زبان‌های ایرانی عهد باستان بوده است که خود منشعب از زبان اصلی دیگری به نام «هند و آریایی» یا «هند و ایرانی» می‌باشد. آن زبان نیز از شاخه‌ی فرضی دیگری بوده است به نام زبان «هند و اروپایی» که واژگان نخستین آن زبان که مادر همه‌ی زبان‌های بعد از خود است، هم اینک در تمام زبان‌های رایج از شبه قاره هند تا اروپا، آشکارا دیده می‌شود.

بنابراین ما از همین روزی که در آن هستیم، ۳۰۰۰ سال به عقب می‌رویم و پلی می‌زنیم به داخل قوم مهاجر، اما استقرار یافته‌ی آریا در ایران در ۳۰۰۰ سال پیش و گاه‌نامه‌ی تاریخ زبان و ادبیات خودمان را از همین زمان آغاز می‌کنیم.

«ادامه دارد»